قاتل دختر عمو قتل را به گردن همدست فراری‌اش انداخت

■ فاطمه صبور

مرد افغان که با همدستی پسرعمویش مرتکب قتل شده بود در جلسه محاکمه، قتل را گردن پسرعموی فراری‌اش انداخت.

به گزارش «جوان»، سال ۸۸ مأموران پلیس ورامین از قتل زن جوانی در یک منزل مسکونی باخبر و راهی محل شدند. وقتی مأموران در محل حاضر شدند اولین بررسی‌ها نشان می‌داد آن زن به نام کریمه اهل افغانستان است که با ضربات متعدد چاقو کشته شده است. جسد به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات در این باره آغاز شد. در روند تحقیقات مادر کریمه مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: «امروز برای انجام کاری از خانه بیرون رفته بودم، وقتی به خانه برگشتم هرچه در زدم کسی در را باز نکرد. می‌دانستم کریمه داخل خانه است و پنجره اتاقی که رو به خیابان است، باز بود. کریمه را بلندبلند صدا کردم، اما او جوابم را نداد. حدس زدم بعد از رفتن من، او هم بیرون رفته باشد. این شد که زنگ همسایه را زدم. وقتی به طبقه بالا رفتم و وارد خانه شدم با جسد کریمه روبه‌رو شدم که خونین روی زمین افتاده بود. همانجا فریاد زدم و با پلیس تماس گرفتم. مادر این سال‌ها با کسی خصومتی نداشتیم و نمی‌دانم چه کسی یا چه کسانی با چه انگیزه‌ای دخترم را به قتل رسانده‌اند.»

■ **فرار پسرعموها به افغانستان**

بعد از این توضیحات، مأموران در روند بررسی‌ها با کنترل دوربین‌های مداربسته دریافتند دو مرد جوان زمان حادثه وارد خانه شده‌اند و بعد از دقایقی سراسیمه بیرون آمده‌اند. با ثبت مشخصات دو مرد جوان و چهره‌نگاری از آنها، مشخص شد هر دو پسرعموهای مقتول هستند. به این ترتیب دو مرد جوان تحت تعقیب قرار گرفتند، اما ردی از آنها به دست نیامد تا اینکه مشخص شد هر دو به کشور افغانستان گریخته‌اند.

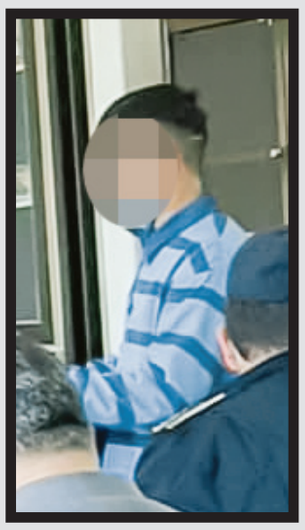

■ **دستگیری بعد از ورود به ایران**

پرونده با اصرار اولیای دم در جریان بود که با گذشت ۱۱ سال از حادثه سرانجام یکی از آنها به نام عمار بعد از ورود به کشور در سال ۹۹ شناسایی و بازداشت شد. متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با اقرار به قتل با همدستی پسرعمویش به نام رحیم در توضیح به مأموران گفت: «بعد از قتل تصمیم گرفتیم به افغانستان برویم. در آنجا وقتی فهمیدند مرتکب قتل شده‌ایم، ما را دستگیر کردند و طبق قانون کشور افغانستان به حبس محکوم شدیم. بعد از سپری کردن دوران محکومیت، آزاد شدیم تا اینکه من تصمیم گرفتم برای ادامه کار به ایران بیایم، اما در اینجا هم دستگیر شدم.»

■ **جلسه محاکمه**

سپس متهم راهی زندان شد تا این‌بار طبق قانون مجازات اسلامی کشور ایران محاکمه شود. به این ترتیب پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین شعبه، روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت.

متهم در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه به ریاست قاضی رضایی قرار گرفت. ابتدای جلسه، اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند درخواست قصاص کردند. در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با قبول جرمش گفت: «کریمه دخترعمویم بود و در ایران متولد شده بود. پدر و مادرش بعد از ازدواج به ایران آمده بودند، به همین خاطر وقتی برای کار به ایران آمدیم، نزدیک خانه آنها منزلی اجاره کردیم تا تنها نباشیم. ما نسبت به کریمه خیلی غیرت داشتیم و او برای ما مثل خواهر بود. مدتی قبل از حادثه، رحیم به خانه‌ای که حوالی محل کار اجاره کرده بودیم، آمد و گفت کریمه را دیده که سرووضع نامناسبی داشته است. او از من خواست با کریمه صحبت کنم. فردای آن روز در کوچه دخترعمویم را دیدم و در این باره با او صحبت کردم. گفتم ما در این کشور غریب هستیم و بهتر است وقتی از خانه بیرون می‌آید حجابش را بیشتر رعایت کند.» متهم در خصوص قتل گفت: «آن روز من زودتر به محل کار رفته بودم. بعد از ساعتی رحیم آمد، اما آشفته بود که گفت دوباره کریمه را با وضع نامناسب دیده است. رحیم گفت، او اصلاً رعایت نمی‌کند و در محل آبروی ما را برده است. این شد که پیشنهاد داد او را گوشمالی بدهیم. من با حرف‌های رحیم وسوسه شدم و قبول کردم بعد از اتمام کار به خانه آنها برویم. دخترعمویم تنها بود که رحیم سر صحبت را باز کرد و گفت حق ندارد اینطور از خانه بیرون بیاید. دخترعمویم شروع به داد و فریاد کرد که به شما ربطی ندارد. من و رحیم وقتی حرف‌های او را شنیدیم، عصبانی شدیم. این شد که من دست‌های او را گرفتم و رحیم چند ضربه با چاقو به سینه‌اش زد.»

متهم در آخر گفت: «بعد از قتل من و رحیم به افغانستان رفتیم. در آنجا به خاطر قتلی که مرتکب شده بودیم، دستگیر و محاکمه شدیم. در قانون افغانستان مجازات قتل اعدام نیست، به همین خاطر به چند سال حبس محکوم شدیم و بعد از سپری کردن دوران محکومیت، آزاد شدیم. فکر نمی‌کردم اگر به ایران برگردم دستگیر شوم، اما به محض ورود از سوی مأموران پلیس بازداشت شدم. باور کنید ضربات را من به مقتول نزدم و این رحیم بود که با چاقو چند ضربه به او زد. من فقط دست و پاهای دخترعمویم را گرفته بودم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

متهم با اسلحه منتظر پلیس بود

متهمی که همسرش با حکم جلب به سراغش رفته با شلیک به مأمور پلیس او را به شهادت رساند همسرش را هدف قرار داد و سپس خودکشی کرد

■ آرمین بینا

مرد خشمگین وقتی متوجه شد مأمور پلیس برای جلب وی به خانه‌اش آمده، او را با شلیک گلوله به شهادت رساند و پس از اینکه همسرش را مجروح کرد به زندگی خودش هم پایان داد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۱:۳۰ روز پنج‌شنبه دوم تیر، ساکنان ساختمان مسکونی در کوچه قنبرزاده نزدیکی خیابان رودکی با شنیدن صدای شلیک چند تیر وحشت‌زده از خانه‌هایشان بیرون آمدند و با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. اهالی ساختمان با جسد خونین مأمور پلیس و همچنین جسد خونین صاحبخانه طبقه سوم در پاگرد پله‌ها و پیکر نیمه‌جان همسرش جلوی ورودی ساختمان روبه‌رو شدند و بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش دادند. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب در محل حاضر شدند و دقایقی بعد هم قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

تیم جنایی جلوی ورودی ساختمان مسکونی با آثار خون به جا مانده‌ای روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت خون‌ها متعلق به زن حدوداً ۴۰ ساله‌ای به نام مهرانه است که با شلیک دو گلوله شوهرش از ناحیه سینه و پهلو به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است. همچنین در پاگرد راه‌پله طبقه اول ساختمان چهار طبقه، جسد خونین و بی‌جان شوهر ۴۷ ساله مهرانه به نام صفدر رها شده بود که مشخص شد وی پس از ارتکاب جنایتی هولناک با شلیک گلوله به سرش به زندگی‌اش پایان داده است. در ادامه تیم جنایی در پاگرد طبقه دوم با جسد خونین سرگرد محمد یاسمی، مأمور کلانتری ۱۰۸ نواب مواجه شدند که با شلیک گلوله‌ای از پشت و اصابت به قلبش به شهادت رسیده بود.

■ **اجرای حکم خونین**

بررسی‌های میدانی نشان داد سرگرد یاسمی همراه یکی از همکارانش و همسر قاتل و فرزند خردسال او برای اجرای حکم مطالبه مهریه و جهیزیه به خانه متهم می‌روند که ناگهان شوهر شاکی با اسلحه کلت کمری از خانه‌اش بیرون می‌آید و شروع به تیراندازی می‌کند. از آنجایی که مأموران هیچ کدام مسلح به سلاح گرم نبودند یکی از آنها به طبقه چهارم پناه می‌برد و سرگرد یاسمی هم ابتدا شاکی، فرزندش و مرد کلیدساز را برای نجات جانشان راهی طبقات پایینی می‌کند و در ادامه خودش قصد دارد از محل دور شود که مرد جانی گلوله‌ای از پشت به او شلیک می‌کند و او را در دم به شهادت می‌رساند. متهم سپس همسرش را تعقیب می‌کند و جلوی در ورودی دو تیر به پهلو و نزدیکی قلب وی شلیک می‌کند و در ادامه در پاگرد طبقه اول با شلیک گلوله‌ای به زندگی خودش پایان می‌دهد.

تیم جنایی در تحقیقات بعدی دریافتند شاکی مدتی قبل با شوهرش اختلاف پیدا می‌کند و زمانی که اختلاف آنها بیشتر می‌شود در دادگاه با طرح شکایتی مهریه‌اش را مطالبه می‌کند. پس از این مهرانه همراه پسر ۱۲ ساله‌اش به خانه پدری‌اش در یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌رود و از آنجا پیگیر شکایتش می‌شود تا اینکه قاضی پرونده، حکم پرداخت مهریه و تحویل جهیزیه را صادر می‌کند، بدین ترتیب وی همراه فرزندش برای اجرای حکم راهی تهران می‌شود و با گرفتن نیابت قضایی همراه دو مأمور کلانتری ۱۰۸ نواب راهی محل زندگی شوهرش می‌شود و در نهایت این حادثه خونین رقم می‌خورد.

■ **اظهارات شاهد**

یکی از مأموران پلیس گفت: «شاکی حکم مطالبه مهریه در دست داشت و به کلانتری مراجعه کرد و من و همکارم همراه شاکی و پسرش با حکم قضایی و برای اجرای حکم به خانه متهم رفتیم. هر چقدر در زدیم کسی در را باز نکرد. ما فکر کردیم کسی داخل خانه نیست، اما خبر نداشتیم که متهم با سلاح کلت کمری داخل خانه‌اش در کمین ما و همسرش نشسته است. از آنجایی که قاضی حکم ورود هم داده بود، تصمیم گرفتیم وارد خانه شویم، اما کلید شاکی در را باز نکرد و شاکی هم کلیدسازی را آورد و قرار شد او در را باز کند. کلیدساز در حال باز کردن در بود که ناگهان شوهر شاکی با کلت کمری از خانه بیرون آمد و شروع به تیراندازی کرد. من در پله بالا بودم و پناه گرفتم، همکارم هم بعد از راهی کردن شاکی، فرزندش و مرد کلیدساز به طرف پایین رفت. متهم نیز پشت سر آنها حرکت کرد و همکارم را به شهادت رساند، همسرش را زخمی کرد و خودش را هم کشت.»

■ **کشف مشروبات الکلی و فشنگ جنگی**

همزمان با انتقال پیکر سرگرد یاسمی و جسد قاتل به پزشکی قانونی، مأموران پلیس به بازرسی خانه متهم پرداختند و در آنجا ۱۵ تیر جنگی همراه با مقداری مشروبات الکلی کشف کردند.

تحقیقات درباره این حادثه به دستور قاضی غلامی در حالی ادامه دارد که همسر قاتل در بیمارستان تحت درمان قرار دارد و پزشکان در تلاشند تا جان وی را نجات دهند.

درگیری نجات‌بخش پای چوبه دار

پرخاشگری اولیای دم یک پرونده با دو دختر خردسال قاتل در کنار چوبه دار سبب شد اولیای دم دو پرونده دیگر که متهمانش در یک قدمی مرگ قرار داشتند، اعلام گذشت کنند.

به گزارش «جوان»، چندی قبل سه متهم که در سه حادثه جداگانه مرتکب قتل شده بودند برای اجرای حکم در زندان رجایی‌شهر پای چوبه دار رفتند. در محوطه اجرای حکم علاوه بر اولیای دم، یکی از بازیگران مطرح سینما و تلویزیون و قهرمان وزنه‌برداری هم همراه تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران حضور داشتند تا آخرین تلاش‌ها را برای جلب رضایت انجام دهند.

■ **قتل در بزرگراه**

اولین متهم، مرد جوانی بود که ۱۶ آبان ۹۶ در یک درگیری، مرد دیگری را در بزرگراه آزادگان با شلیک گلوله به قتل رسانده بود. روز حادثه قاتل همراه پسر خردسالش با مقتول که از قبل اختلاف داشتند قرار ملاقات می‌گذارد و حادثه خونین را رقم می‌زند. البته متهم در بازجویی‌ها ادعا کرده بود اسلحه متعلق به مقتول بوده و زمان درگیری او لوله اسلحه را گرفته و باعث شده شلیک مقتول به خودش اصابت کند. هیئت قضایی پس از بررسی پرونده حادثه را لوث تشخیص دادند، اما اولیای دم ۵۰ فامیل نسبی را به دادگاه معرفی کردند و آنها هم با ادای قسم بر مجرم بودن قاتل باعث شدند حکم قصاص وی صادر و متهم پای چوبه دار حاضر شود.

■ **رفتار ناشایست اولیای دم با فرزندان خردسال قاتل**

هنگام اجرای حکم، دو دختر هشت و ۱۰ ساله قاتل برای نجات جان پدرشان به سوی اولیای دم رفتند و با گریه و التماس درخواست بخشش کردند، اما پدر و برادر مقتول نه تنها متهم را نبخشیدند و حکم را اجرا کردند که با پرخاشگری رفتار بد و ناشایستی با دختران متهم داشتند. رفتار اولیای دم با دختران خردسال باعث شد دو اولیای دم دیگر که برای اجرای حکم به زندان رجایی‌شهر رفته بودند، قاتلان فرزندانشان را ببخشند. دو اولیای دم با دیدن این صحنه در حالی که طناب دار به گردن متهمان آویخته شده بود و لحظات پایانی زندگی‌شان را سپری می‌کردند، طناب دار را از گردن آنها برداشتند.

■ **نخستین بخشش**

نخستین متهمی که بخشیده شد، مرد جوانی بود که چند سال قبل در تهران یکی از دوستانش را به قتل رسانده بود. متهم در بازجویی‌ها گفته بود روز حادثه شاهد بدرفتاری دوستش با دختر خردسالش بوده، به همین خاطر او را به قتل می‌رساند و جسدش را داخل خودرویش به آتش می‌کشد.

■ **دومین بخشش**

دومین قاتل هم که از مرگ نجات یافت، پسر جوانی بود که چند سال قبل یکی از دوستان قدیمی‌اش را به خاطر موضوعی پیش‌افتاده و اختلاف شخصی داخل پارکی در تهران به قتل رسانده بود. در حالی که تیم صلح و سازش روز اجرای حکم موفق به گرفتن رضایت برای پدر دو دختر خردسال نشده بود، مدتی قبل باخبر شدند برادر مقتول که هنگام قصاص در زندان رجایی‌شهر حاضر بوده و برخورد بدی با فرزندان قاتل داشته در یکی از شهرهای غربی کشور در حادثه‌ای مرتکب قتل شده است و الان تلاش می‌کند تا رضایت اولیای دم را جلب کند.

فرار مرد تیرانداز پس از قتل شبانه

مردی که پس از تماس تلفنی در قرار شبانه حاضر شده بود، با شلیک گلوله به قتل رسید. تلاش پلیس برای بازداشت متهم فراری جریان دارد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۲۳ شامگاه چهارشنبه اول تیرماه، قاضی محمدحسین زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۸۱ وردآورد از کشف جسد خونین مرد ۳۰ ساله‌ای به نام فرزاد در فضای سبز بزرگراه خرازی در غرب تهران باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مقتول ساعتی قبل در همین مکان در درگیری با یکی از بستگانش با شلیک گلوله‌ای به قلبش به قتل رسیده و قاتل هم پس از حادثه فرار کرده‌است.

برادر مقتول که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: «برادرم با یکی از بستگانمان به نام بهروز از مدتی قبل اختلاف پیدا کرده‌بود و گاهی هم مشاجره لفظی داشتند. ساعت ۲۲ شب برادرم تلفنی با بهروز مشاجره لفظی می‌کرد که دقایقی بعد به من گفت با او در بزرگراه خرازی قرار ملاقات گذاشته‌است تا با هم درباره اختلافشان حرف بزنند. برادرم از خانه بیرون رفت، اما وقتی دیر کرد و به تلفن من جواب نداد، نگرانش شدم و به محل قرارشان آمدم و با جسد خونین و بی‌جانش روبه‌رو شدم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس در تلاشند متهم فراری را دستگیر و زوایایی پنهان این حادثه را بر ملا کنند.

یادداشت

غلامرضا مسکنی

پلیس برای حفظ جان خود باید بیشتر بداند

مأموریت‌های پلیس بر حسب وظیفه قانونی و به عنوان ضابط قضایی و مجری قانون همیشه با مخاطراتی برای جان پلیس همراه است. پلیس همچنان که مقام معظم رهبری از آن به عنوان پلیس مقتدر، مهربان و همراه با رأفت اسلامی نام برده‌است، همیشه در صحنه‌های مختلف در خصوص این شاخص‌ها از خود کارنامه خوبی به جا گذاشته‌است. مهربانی و دلسوزی و گاهی هم مظلومیت مأموران پلیس را در جای جای کشورمان همیشه شاهد هستیم به طوری که کلیپ‌های مختلفی که به صورت مخفیانه یا حتی مچگیرانه یا از طریق دوربین‌های مداربسته ضبط و منتشر می‌شود، نمایانگر این مهربانی و دلسوزی است. خرید کفش برای دختر پابرهنه کار در شهرستان نکا مازندران از سوی مأمور پلیس مهربان، به خطر انداختن جان خود برای نجات جان دیگران، نه به عنوان وظیفه، بلکه به عنوان عمل انسانی، مهربانی با مرد زباله‌جمع کن و پذیرایی با چای و نان و کمک مالی از جیب خود به او در شهرستان خرم‌آباد و هزاران نمونه دیگر که در هیچ دوربین و تصویری ضبط نشده‌است، همه و همه نشانه پلیس مهربان و دلسوزی است که در هیچ کشوری غیر از ایران دیده نمی‌شود.

در مقابل، پلیس هنگام برخورد با اشرار و مخلان نظم و امنیت و در دفاع از ناموس و جان و مال مردم همیشه مقتدرانه و حرفه‌ای عمل می‌کند و نه تنها با این افراد مماشات نمی‌کند، بلکه اجازه هر عکس‌العملی و عرض‌اندامی را هم از آنها می‌گیرد و وقاحت آنها را در نطفه خفه می‌کند. دستگیری سریع سارقان حرفه‌ای صندوق امانات بانک ملی که حتی کارشناسان مغرض و مدعیان را انگشت به دهان کرد، دستگیری سارقان باندی، قاچاقچیان حرفه‌ای و عاملان قتل، همه نشانه اقتدار پلیس است.

نکته حائز اهمیت عملیات پلیس‌های ویژه، نداشتن تلفات جانی یا تلفات اندک است که حکایت از حرفه‌ای بودن، برخورداری از آموزش‌های لازم، انجام تحقیقات و همراه با برنامه و نقشه و سنجش تمام جوانب عملیات دارد. همین موضوع باعث می‌شود عملیات پر خطر و پرریسک پلیس‌های تخصصی با کمترین تلفات روبه‌رو شود. به طوری که شاهد هستیم پلیس در عملیات‌های دستگیری سارقان و گروگانگیران حرفه‌ای و مسلح و قاتلان و متهمان جانی با استفاده از هوش مدیریتی و مأموران آموزش‌دیده ویژه و برنامه‌ریزی و نقشه‌های دقیق موفق می‌شوند بدون هیچ تلفاتی عملیات را به پایان برسانند.

اما از طرفی هر از گاهی شاهد هستیم بعضی مأموران پلیس هنگام اجرای حکم قانونی، مظلومانه به شهادت می‌رسند.

شهادت مأمور پلیس بر اثر آتش‌سوزی هنگام اجرای حکم تخلیه منزلی در شمال تهران، شهادت مأمور پلیس در بید زرد استان فارس با چاقوی فردی شرور و شهادت مظلومانه سرگرد محمد یاسمی قبل از ظهر پنج‌شنبه هفته گذشته هنگام اجرای حکم مطالبه مهریه و جهیزیه، همه مواردی هستند که به نظر می‌رسد از آنجایی که احساس می‌شود اجرای این قبیل از احکام قضایی خطر کمتری نسبت به برخورد با افراد جانی و خلافکاران حرفه‌ای دارد، مأموریت‌ها به مأمورانی واگذار می‌شود که آموزش کمتری نسبت به نیروهای ویژه دیده‌اند. همچنین در این گونه مأموریت‌ها جای خالی برنامه دقیق و طراحی نقشه و حتی تحقیقات قبل از اجرای حکم از سوی فرماندهان به وضوح دیده می‌شود و همین ساده‌انگاری و غفلت در آموزش‌های لازم گاهی به قیمت جان مأمور پلیس تمام می‌شود.

پیشنهاد می‌شود بحث آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای و استفاده از روش‌های نوین و فناوری‌های جدید هر چند هزینه‌های مالی زیادی در بر دارد، در تمامی مراتب پلیس به خصوص برای مأموران کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها که همیشه در نوک مقابله با حوادث احتمالی قرار دارند، به صورت جدی در دستور کار مسئولان قرار گیرد تا کمتر شاهد حوادث خونین برای مأموران پلیس هنگام اجرای حکم قانونی باشیم.

آن طوری که تحقیقات جنایی حکایت دارد، شهید محمد یاسمی حافظ قرآن، مأموری با اخلاق و وظیفه‌شناس همراه یکی از همکارانش و زن جوانی و پسر ۱۲ ساله‌اش (شاکی) بدون تجهیزات نظامی برای اجرای مطالبه مهریه و جهیزیه با حکم قاضی به خانه متهم (شوهر شاکی) می‌روند و از آنجایی که متهم در خانه را باز نمی‌کند، همراه مرد کلیدسازی در حال باز کردن در خانه هستند که متهم در کمال ناباوری با اسلحه کلت کمری از خانه بیرون می‌آید و مظلومانه از پشت سرگرد یاسینی را هدف قرار می‌دهد و در ادامه هم به سوی همسرش شلیک می‌کند و در پایان هم به زندگی خودش پایان می‌دهد.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۰۴۶۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۳۶۷ تقاضای خانم ربابه خان‌بیکی به شماره شناسنامه ۱۴ و کدملی ۴۵۷۹۶۱۴۰۳۸ صادره از دامغان فرزند نوروزعلی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به‌مساحت ۶۸۴۲،۵۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۰۶ –اصلی واقع در اراضی سدن بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی یداله سدنی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به‌مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۴/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۴/۲۰

علی برقی – رییس اداره ثبت اسنادواملاک منطقه یک گرگان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع درقریه ونوش پلاک ۵۸اصلی بخش ۶قشلاقی

۸۲۴فرعی آقا/خانم یعقوب نقیبی فرزند اسمعیل نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۲.۲۸ متر مربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از اردشیر سهامی

،لذابه موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها ، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌نشده‌واحد ثبتی بارأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدودحراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدودواحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ نوبت دوم ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

صفر رضوانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شناسه آگهی: ۱۳۳۱۰۴۷

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع درقریه انارور پلاک ۲اصلی بخش ۳ قشلاقی

۱۱۹۷فرعی آقا/ خانم قاسم مومیوند فرزند شاهدین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۹.۳۰ متر مربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از محمود خداوردی

،لذابه موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها ، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌نشده‌واحد ثبتی بارأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدودحراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدودواحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. **تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۱/۰۳/۲۱**

نوبت دوم ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

صفر رضوانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شناسه آگهی: ۱۳۳۲۳۲۱

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع درقریه امیر رود پلاک ۲۶ اصلی بخش ۲قشلاقی

۸۴۷فرعی آقا/خانم علیرضا صابر فرزند رحیمعلی و مریم ملک پور فرزند داود حصه هر کدام مشاعا وبالسویه به میزان ۳ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۴۸.۰۶ متر مربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از علی قیصری فیروز ،لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها ، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌نشده‌واحد ثبتی بارأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدودحراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدودواحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. **تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ نوبت دوم ۱۴۰۱/۰۴/۰۴**

شناسه آگهی: ۱۳۳۰۷۳۴ صفر رضوانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر